

آتش‌نشانان؛ یک سال دو جنگ و هزاران لحظه نفس گیر

روز آتش‌نشانی امسال، فرصتی است برای مرور سالی که بر آتش‌نشانان گذشت؛ سالی آمیخته با حادثه، آتش و جنگ، که در آن، مردان و زنان ایستاده در خط مقدم نجات، بار دیگر از جان خود گذشتند تا زندگی به جریان بیافتد.

به گزارش ایسنا، هفتم مهر، روز آتش‌نشانی و ایمنی، امسال برای آتش‌نشانان فقط یک مناسبت در تقویم نیست؛ در سالی که گذشت مأموریت هایشان برای آنها شکل‌های مختلفی داشته است؛ از مهار شعله‌های آتش یک مغازه و دود یک کارگاه گرفته تا نجات جان‌هایی که زیر آوار ساختمان‌هایی که در حملات دشمن صهیونیستی-آمریکایی در نقاط مختلف شهر مانده بودند. سالی که در آن، آتش‌نشانان یک‌بار نه در حادثه‌ای معمولی، که در میانه دو جنگ، میان موشک، آوار و احتمال حمله دوباره، وارد میدان شدند.

صدای آژیر که بلند می‌شود، خیلی‌ها ناخودگاه به سمت در می‌روند؛ آتش‌نشان اما به سمت حادثه می‌رود. برای آتش‌نشان، (۱۲۵) فقط یک شماره تلفن نیست؛ صدایی است که می‌تواند شروع چند ساعت بی‌خوابی، دویدن در راه‌پله‌های دودگرفته، ایستادن زیر سقف‌های ترک‌خورده یا جست‌وجو میان تکه‌های بتن و آهن باشد.

آتش‌نشانان؛ یک سال، دو جنگ و هزاران لحظه نفس گیر

این روزها، وقتی از آتش‌نشانی حرف می‌زنیم، تصویر آتش و دود کافی نیست. سال گذشته برای آتش‌نشانان، آتش شکل دیگری هم داشت؛ آتشی که با انفجار آغاز می‌شد، با آوار ادامه پیدا می‌کرد و گاهی هنوز عملیات تمام نشده، احتمال حمله دوباره، سایه‌اش را روی محل حادثه می‌انداخت. رنگ اعلام حادثه در آن ایام پشت یک دیگر خبر از جنایت پشت جنایت دشمن می‌داد.

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه آواز جانفشانی آتش نشانان

آن روز ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، آتش‌نشان همان آتش‌نشان همیشگی بود؛ کسی که باید به یک واحد مسکونی آتش گرفته می‌رسید، فرد گرفتار در آسانسور را نجات می‌داد، با حادثه تصادف برخورد می‌کرد، حریق کارگاه و انبار را مهار می‌کرد یا برای نجات فردی که زیر آوار مانده بود، وارد ساختمانی می‌شد که هر لحظه احتمال ریزشش وجود داشت.

اما بعد، جنگ آمد.

وقتی «حریق» از ساختمان به شهر رسید

در جنگ ۱۲ روزه تهران فقط با صدای انفجار و آژیر حمله روبرو نبود؛ بعد از هر اصابت، یک زنجیره عملیات تا تانکون تجربه نشده بود، آغاز می‌شد. آتش‌نشانان باید خودشان را به محل می‌رساندند، حریق را مهار می‌کردند، آوار را کنار می‌زدند و اگر کسی زیر ساختمان مانده بود، برای بیرون آوردنش تلاش می‌کردند؛ آن هم در شرایطی که

قدرت‌الله محمدی، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی تهران، درباره آن روزها می‌گوید که در جریان جنگ ۱۲ روزه، نیروهای آتش‌نشانی در ۱۴۲ نقطه شهر عملیات داشتند و در برخی موارد، با خطر اصابت دوباره آتش، نجات می‌شد، اما برای آتش‌نشانان، ماجرا تمام نشده بود. شیشه‌ای صداسویم‌ا در مدت کوتاهی درگیر حریقی گسترده شد و نیروهای آتش‌نشانی در شرایطی با حرارت بسیار بالا و ریزش مداوم، برای مهار آتش وارد ساختمان شدند. محمدی می‌گفت: در جنگ ۱۲ روزه، آتش نشانان تهرانی ۱۸۵ نفر از زنده از زیر آوار خارج کردند. آماری که او می‌داد، تنها چند عدد نبود، بلکه زندگی‌هایی بود که توسط این سرخ‌وشان دوباره به زندگی بازگشتند. این شاید یکی از همان لحظه‌هایی باشد که تفاوت «کار» و «مأموریت» را نشان می‌دهد. مجید طباطبایی از ایستگاه ۴۹ شهید علی امینی آتش‌نشانی تهران، آن روز را روایت می‌کند، با چشمانی که صحنه‌ها هنوز در آن جریان دارد. می‌گوید: «هنوز یادمه اولین لحظه‌ای که صدای انفجار اومد، توی خواب بودیم. همه‌مون از جا پریدیم. اون لحظه با حادثه‌هایی که قبلاً دیده بودم فرق داشت. شهر به هم ریخته بود، انکار تهران دیگه توهران نبود. صدها، شعله‌ها، جیغ مردم، همه چی درهم پیچیده بود. اولین گزارشی که رسید، انفجار ساختمان میدان کتاب بود…»

داغی که در میانه مأموریت‌ها امدادی بر دل یک آتش‌نشان نشست

در جریان جنگ ۱۲ روزه، آتش‌نشانان علاوه بر انجام مأموریت‌های امدادی و مقابله با حوادث ناشی از حملات، خود نیز با داغ از دست دادن عزیزانشان روبرو شدند. مختار باکویی، آتش‌نشان ایستگاه ۷۱ تهران، یکی از آن‌هاست؛ مدتی که در حمله به خانه خواهرش، خواهر داماد، خواهرزاده‌اش و دیگر اعضای خانواده را از دست داد. او در حالی که هنوز امید داشت پیکر یاسمین، خواهرزاده ۲۳ ساله‌اش، را پیدا کند، با لباس عملیاتی به میان آوار بازگشت؛ این بار نه برای نجات دیگر شهروندان، بلکه برای یافتن عزیزانشی که زیر آوار مانده بودند. پیکرهای شناسایی شده خانواده‌اش به خاک سپرده شدند، اما یاسمین همچنان بی‌مرز ماند و انتظار برای یافتن پیکرش ادامه یافت، اما…

با این همه، مختار باکویی از کار دست نکشید.

او در روزهایی که خودش داغ‌دار بود، در کنار همکارانش به عملیات امداد و نجات ادامه داد و حتی برای بیرون آوردن پیکرهای همسایگان و دیگر آسیب‌دیدگان نیز به میدان رفت. به گفته او، همکارانش در آتش‌نشانی، حتی پس از پایان شیفت کاری، در کنارش ماندند و در این روزهای دشوار همراهش بودند.

روایت باکویی، تصویری از آتش‌نشانی است که در میانه جنگ، همه‌زمان با مواجهه با خطرهای مأموریت، با رنج‌های شخصی و فقدان عزیزانشان نیز دست‌وپنجه نرم کردند و با وجود این داغ‌ها، مسئولیتی حرفه‌ای خود را ادامه دادند.

جنایت تجریش و حضور آتش‌نشانان میان آسفالت‌های تکه تکه شده

چهار پنج روز بعد از شروع جنگ ۱۲ روزه، مأموریت دیگری اعلام شد. در تجریش، موشکی به چهارراه اصابت کرده بود. وقتی رسیدیم، آسفالت تکه‌تکه و کنده شده بود، سقف ماشین‌ها فرو ریخته بود، بدن‌ها زیر آهن‌ها پرس شده بودند. با برش و تلاش فراوان، توانستیم تنها یک نفر را زنده بیرون بیاوریم و به بیمارستان شهدای تجریش منتقل کنیم. آن صحنه یکی از سنگین‌ترین حوادث دوران خدمتم بود. این روایت قسمتی از خاطرات باقرزاده رئیس ایستگاه ۶ آتش‌نشانی تهران شهید محمد ابراهیمی بود. روایتی که بوی جنایت و شرم آوری برای مدعیان حقوق بشر می‌دهد.



بر اساس اعلام مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر، وضعیت کووید-۱۹ از آستانه هشدار بالا عبور کرده است. این رقم در هفته مشابه سال گذشته ۸.۹ درصد گزارش شده بود.

به گزارش تجارت نیوز، موج تازه عفونت‌های تنفسی در حالی در کشور ادامه دارد که تاثرترین داده‌های نظام مراقبت بیماری‌های تنفسی از افزایش همزمان علائم شبه‌آنفلوآنزا، موارد شدید تنفسی و سهم نمونه‌های مثبت کووید-۱۹ حکایت دارد. در این میان، اگرچه کرونا در هفته‌های اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته، اما افزایش موارد آنفلوآنزا، به‌ویژه در گروه‌های سنی کودک، نگرانی دیگری است که می‌تواند با آغاز فعالیت گسترده مدارس و افزایش تماس‌های اجتماعی، دامنه بیشتری پیدا کند.

مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت در گزارش مربوط به هفته بیست‌وهفتم سال، منتهی به ۳ مهر، اعلام کرده است که سهم مراجعان سربالی دارای علائم شبه‌آنفلوآنزا

به مناسبت ۷ مهر، روز آتش‌نشانی و ایمنی

روز آتش‌نشانی امسال، فرصتی است برای مرور سالی که بر آتش‌نشانان گذشت؛ سالی آمیخته با حادثه، آتش و جنگ، که در آن، مردان و زنان ایستاده در خط مقدم نجات، بار دیگر از جان خود گذشتند تا زندگی به جریان بیافتد.



جنگ ۱۲ روزه را آتش‌نشانان، پشت سر گذاشتند و روایت‌های بسیاری از این دست در صفحه تاریخ ثبت شده است. روایت‌هایی از جانفدایی و رشادت نیروهای آتش‌نشانی در کنار دیگر عوامل در صحنه جنگ؛ از روایت زندان اوین تا اصابت‌هایی که به قلب شهر وارد می‌شد. از جنایت‌های بسیاری که این قهرمانان بی‌سنگر در میدان خطر و عمل حضور داشتند و اندکی برای مردم و کشورشان کم‌نگذاشتند.

زندان اوین؛ جنگ ۱۲ روزه

آتش‌نشان می‌داند ساختمان نایلین است؛ می‌داند آتش زیر پایش و بالای سرش جریان دارد؛ می‌داند احتمال ریزش وجود دارد؛ اما باز هم قدم بعدی را برمی‌دارد.

جنگ ۱۲ روزه که تمام شد، شهر دوباره به ظاهر به زندگی عادی برگشت؛ اما برای آتش‌نشانان، ماجرا تمام نشده بود.

چند ماه بعد، دوباره صدای آژیرها بالا رفت؛ این بار در جنگ ۴۰ روزه، صدای انفجار در آن صبح شنبه ۴ اسفند، دوباره ساختمان‌هایی که آسیب دیده بودند، دوباره آوار، دوباره آتش، دوباره عملیات جست‌وجو و نجات و گوش‌هایی که تیز شده بودند برای یک صدا از دل آوار در تاریکی شب، برای هر آتش‌نشان و نیروی امدادی چندین شب می‌گذشت و برای جا مانده در زیر آوار، ماما و بلکه سال‌ها زمان را به چالش می‌کشید. گزارش‌های منتشر شده از عملکرد آتش‌نشانی تهران در این دوره از صدها حادثه و عملیات مرتبط با شرایط جنگی حکایت دارد. در کنار این مأموریت‌ها، نیروهای آتش‌نشانی همچنان باید حوادث معمول شهر را هم پوشش می‌دادند؛ همان حوادثی که با جنگ شروع نشده بودند و با جنگ هم متوقف نشدند.

این شاید سخت‌ترین بخش ماجرا باشد؛ اینکه حتی در روزهای جنگ، شهر متوقف نمی‌شود. کودکی ممکن است در آسانسور گرفتار شود؛ خانه‌ای آتش بگیرد، تصادفی در یکی از بزرگراه‌ها رخ دهد، کارگری از ارتفاع سقوط کند یا مادری پشت در بسته خانه بماند. برای آتش‌نشان، جنگ فقط یکی از مأموریت‌هاست؛ هرچند مأموریتی با ابعاد و خطرهایی متفاوت.

شیی که سه مخزن سوخت تهران، مورد اصابت دشمن تروریتست قرار گرفت…

از بالادست شهران، آتش آرام‌آرام راه خودش را باز می‌کرد؛ از میان کانال‌ها، جوی‌ها و شیب تند خیابان‌هایی که مستقیم به دل شهر می‌رسیدند. شعله‌ها دیگر فقط در محوطه انبار نفت نبودند؛ به باغ‌های پایین دست رسیده بودند، خودروها را در آتش می‌بلعیدند و به سمت اتوبان همت و ساختمان‌های مسکونی حرکت می‌کردند.

مردم هراسان خانه‌هایشان را ترک می‌کردند و آتش‌نشان‌ها، درست

در نقطه مقابل جمعیت، وارد دل انفجارها می‌شدند؛ جایی که هر دریچه فاضلاب می‌توانست ناگهان منفرج شود و هر تانکر سوخت، یک بمب متحرک باشد. شعله‌ها فقط داخل مخازن نبود؛ آتش از شیب شهران پایین می‌آمد. معاون عملیات پیشین آتش‌نشانی تهران حسن سبخی، از شبی برای خبرنگار ایسنا روایت می‌کرد که اگر جریان چند میلیون لیتر سوخت شعله‌ور متوقف نمی‌شد، تهران می‌توانست وارد یکی از بزرگ‌ترین فاجعه‌های شهری خود شود؛ شیبی که آتش‌نشان‌ها میان انفجار مخازن و خیابان‌های شعله‌ور، برای نجات شهر جنگیدند. تا دو بمباد آن شب در مقابل آتش ایستادند و جلوی‌اش را گرفتند تا به مرحله بعد، یعنی اطفاء آن برسند.

آوا دختری که قربانی جنایت شد و آتش‌نشانان میان ارتفاع و سقوط، زندگی به او بخشیدند…

یکی دیگر از صحنه‌ها، میان صدها صحنه‌ای که آتش‌نشانان تجربه کرده بودند، نجات آوا بود. آوا، یکی از بارامان‌دگان اصابت به یک ساختمان مسکونی در شرق تهران است که در لحظه حمله در اتاق خواب خود روی تختش خواب بود و پس از انفجار، از شرایطی در آوار و ارتفاع، توسط نیروهای آتش‌نشانی از محل نجات پیدا کرد؛ او برای خبرنگار ایسنا، از لحظه‌ای می‌گفت که بین زمین و آسمان، تنها صدها را می‌شنید و هیچ کنترلی بر بدن خود نداشت.

برای نیروهای امدادی، خطر فقط در لحظه اول حمله نبود. یکی از



این روزها، وقتی از آتش‌نشانی حرف می‌زنیم، تصویر آتش و دود کافی نیست. سال گذشته برای آتش‌نشانان، آتش شکل دیگری هم داشت؛ آتشی که با انفجار آغاز می‌شد، با آوار ادامه پیدا می‌کرد و گاهی هنوز عملیات تمام نشده

ایران است. بعد از آن، هر ریزش ساختمان فقط یک حادثه نبود؛ برای خیلی از آتش‌نشانان، یادآور همان سؤال قدیمی بود: «آیا می‌شود کسی هنوز زنده باشد؟» و همین سؤال است که آنها را دوباره به دل آوار می‌فرستد.

شهر به آنها عادت کرده است

شاید عجیب‌ترین بخش ماجرا همین باشد. شهر به آتش‌نشانان عادت کرده است. به صدای آژیر عادت کرده، به ماشین‌های قرمز، به لباس‌های عملیاتی و حتی به شماره ۱۲۵. اما پشت این عادت، آدم‌هایی هستند که هر بار با یک حادثه جدید روبرو می‌شوند، مردانی که گاهی باید دقایق بسیاری در دود و حرارت نفس بکشند، گاهی ساعت‌ها میان آوار بمانند و گاهی بعد از پایان عملیات، تازه به‌همند چه چیزی را پشت سر گذاشته‌اند.

در جنگ هم همین بود…

وقتی شهروندان به پناهگاهی، خانه یا محل امن می‌رفتند، آتش‌نشانان راه دیگری را انتخاب می‌کردند؛ راهی به سمت محل اصابت. آنها در خط مقدم جنگ نظامی نبودند، اما در خط مقدم پیامدهای جنگ ایستاده بودند؛ جایی میان آتش، آوار، دود و آدم‌هایی که باید نجات پیدا می‌کردند. صدهایی از خانواده‌های چشم‌انداز؛ صدهایی جنگند دشمن که رمی در خود نداشت و موشک‌هایش در دل جمعیت مردم، خانه های مسکونی و نیروهای امدادی فرود می‌آمد. صدا، صدا و صدها صدایی که در گوش این افراد هنوز می‌پیچد. از گریه و زاری را داد و فریاد و توقع‌های بسیار به هنگام عملیات و شادی عزیزی که از زیرآوار جامانده خود را پس از نجات در آغوش می‌گیرند، شاید مسکنی بر این زخم‌ها باشد.

هفتم مهر؛ روز کسانی که وقتی همه می‌روند، آنها به میدان می‌آیند

هفتم مهر را شاید بتوان با یک تصویر به خاطر سپرد:

خیابانی که همه از آن دور می‌شوند و گروهی به سمت آن حرکت می‌کنند.

مردم از دود فاصله می‌گیرند و آتش‌نشان به سمت دود می‌رود. مردم از ساختمان در حال سوختن خارج می‌شوند و آتش‌نشان وارد آن می‌شود. مردم از آوار فاصله می‌گیرند و او میان آوار دنبال نشانه‌ای از زندگی می‌گردد. و در روزهای جنگ، مردم از محل اصابت دور می‌شوند و او دوباره به همان نقطه باز می‌گشت. هفتم مهر امسال روایت آتش‌نشانی فقط روایت شعله‌ها نیست. روایت یک سال ایستادن است؛ از حادثه‌های روزمره شهر تا روزهایی که آتش، شکل جنگ به خود گرفت. و شاید معنای «ایمنی» برای کسانی که هر روز با خطر مواجه‌اند، همین باشد؛ اینکه وقتی دیگران دنبال راه فرار می‌گردند، آن‌ها دنبال راه ورود می‌گردند؛ برای نجات. برای بیرون آوردن یک نفر دیگر و برای اینکه آژیر بعدی، پایان یک زندگی نباشد…

دو جنگ، تجربه‌هایی که به گنجینه‌ای برای آتش‌نشانی تبدیل شد
به گزارش ایسنا، آتش‌نشانان در دو جنگی که پشت سر گذاشتند، با صحنه‌ها و شرایطی مواجه شدند که پیش از این تجربه نکرده بودند؛ حوادثی که اگرچه خسارت‌های بسیاری به دنبال داشت، اما فرصتی برای آزمون توان عملیاتی، شناسایی نقاط ضعف و تقویت آمادگی سازمان آتش‌نشانی در شرایط، آنان در مواجهه با این شرایط، عملکردی قابل توجه از خود به نمایش گذاشتند و در کنار امدادرسانی به مزار بجران، تجربه‌هایی ارزشمند به دست آوردند؛ تجربه‌هایی که امروز می‌تواند چراغ راهی برای ارتقای ایمنی و آمادگی در برابر حوادث آینده باشد.

در گفت‌وگو با مسئولان آتش‌نشانی، یک نکته بیش از هر چیز به چشم می‌خورد؛ اینکه این تجربه‌ها، با وجود تمام خسارت‌ها و دشواری‌هایی که به همراه داشتند، گنجینه‌ای ارزشمند برای سازمان هستند. از بازنگری در شیوه‌های آموزش و افزایش مهارت نیروها گرفته تا شناسایی کمبودهای سازمانی و تلاش برای رفع آن‌ها، این دو جنگ زمینه‌ساز تحولاتی شدند که می‌توانند در مواجهه با بحران‌های آینده نقشی تعیین‌کننده داشته باشند.

پیشگیری؛ خط مقدم مقابله با حوادث شهری

با این همه، در میان تمام درس‌هایی که از دل این حوادث بیرون آمده، یک اصل همچنان جایگاه خود را حفظ کرده؛ پیشگیری. اصلی که آتش‌نشانان همواره بر آن تأکید دارند و معتقدند بسیاری از حوادث شهری را می‌توان با رعایت اصول ایمنی و انجام اقدامات پیشگیرانه، پیش از آنکه به بحرانی جدی تبدیل شوند، مهار کرد. گاهی تنها یک اقدام ساده، یک بررسی به موقع یا رفع یک نقص ایمنی می‌تواند مانع حادثه‌ای شود که مهار آن، زمان، هزینه و نیروی انسانی بسیاری می‌طلبد. در شهری مانند تهران، که به‌شدت با مخاطرات گوناگون دست‌وپنجه نرم می‌کند، بی‌توجهی به ایمنی می‌تواند زمینه‌ساز حوادثی جبران‌ناپذیر باشد. بسیاری از این حوادث، نه به دلیل پیچیدگی شرایط، بلکه در نتیجه سهل‌انگاری، بی‌تفاوتی و نادیده گرفتن اصول اولیه ایمنی رخ می‌دهند؛ خطرهایی که شاید در نگاه نخست کوچک و کم‌اهمیت به نظر برسند، اما در لحظه‌ای غیرمنتظره می‌توانند به بحرانی بزرگ تبدیل شوند.

آتش‌نشانی تهران جز مشاغل سخت نیست

به بهانه این روز، قایل گفتن است که شاید خیلی از مردم ما ندانند که آتش‌نشانان تهران، تنها آتش‌نشانیان در کل کشور هستند که جزء مشاغل سخت محسوب نمی‌شوند. با وجود این که تهران به دلیل کلاشهر بودنش، بیشتر حوادث را بر پی دارد. در تمامی طول سال، این عزیزان در دل خطر و بحران‌ها حضور دارند. کمترین کاری که می‌شود برای آتش‌نشانان کرد، این است که عدالت به صورت یکسان برایشان اجرا شود و حقوقی که محشان هست، به آن‌ها داده شود. امیدواریم که وعده‌های داده شده به این خانواده بزرگ آتش‌نشانی، از حرف به عمل تبدیل شود و ما شاهد سختی کار آتش‌نشانان، تهرانی، شهیداعلام داشتن آتش‌نشانیان که در مأموریت‌ها به شهادت می‌رسند، مسکن و پرداخت حقوقی باشیم که در مقایسه با کاری که انجام می‌دهند، حداقل بار زندگی شخصی را از دوششان بردارد.

اخبار

هشدار قرمز در قلب ترددگاه‌های تهران

۲۷ پاساژ پرترد در آستانه پلمب



آمار تکان‌دهنده سازمان آتش‌نشانی تهران، شهر را با خطر فرو ریختن ساختمان‌های نایلین روبرو کرده است. در میان این بحران، ۲۷ پاساژ پرترد در مانند خلیج فارس و مهستان، در وضعیت بسیار خطرناکی قرار دارند که هر لحظه ممکن است با یک حادثه ناگهانی، شهر را با یک فاجعه انسانی روبرو کنند.

به گزارش رکتا، آمار تکان‌دهنده سازمان آتش‌نشانی تهران نشان می‌دهد که با بیش از ۹۰ هزار ساختمان نایلین در پایتخت روبرو هستیم. اما در میان این انبوه از ریسک، ۴۷ ساختمان در وضعیت بحرانی قرار دارند که هر لحظه می‌تواند به یک حادثه تبدیل شود. در این میان، ۲۷ پاساژ پرترد تهران، از خلیج فارس گرفته تا بازارچه سنتی ستارخان، در لبه خطر قرار دارند؛ مکان‌هایی که روزانه هزاران نفر را در معرض خطر آتی قرار می‌دهند.

بحران در قلب ترددگاه‌ها

وضعیت فعلی پاساژهایی نظیر خلیج فارس، ساختمان پیروز، بازارچه سنتی ستارخان، خلیج فارس ۲، مهستان و سرای حاج ولی، فراتر از یک هشدار ساده است. این مکان‌ها صرفاً چند سازه قدیمی نیستند؛ بلکه رگ‌های حیاتی تردد اقتصادی و اجتماعی شهر هستند که در حال حاضر، پایداري آن‌ها در برابر نیروی گرانش و لرزش، به شکلی غیرقابل‌بیانیه پایین است. گزارش‌ها حاکی از آن است که این سازه‌ها ممکن است در کسری از ثانیه فرو بریزند و هزاران نفر را زیر آوار دفن کنند.

دانشتانی وارد میدان شد؛ پلمب یا تعلل؟

در حالی که سازمان آتش‌نشانی لیست سیاه ساختمان‌های بحرانی را منتشر کرده، دانشتانی تهران نیز با اعلام آمادگی برای اجرای عملیات پلمب، از مراجع ن‌صلاح خواسته است ساختمان‌های خطرناک را معرفی کنند. این حرکت، نشان‌دهنده رسیدن وضعیت به مرحله‌ای است که دیگر راه بازگشتی برای اصلاحات تدریجی باقی نمانده و تنها گزینه، توقف فعالیت در این مراکز است. هر لحظه تأخیر در پلمب این ساختمان‌ها، تنها یک تأخیر اداری نیست؛ بلکه پذیرش مسئولیت یک فاجعه انسانی بزرگ است. تعلل در اجرای دستورال پلمب، به معنای اجازه دادن به استمرار یک قمار مرگبار بر سر جان شهروندان است. وقتی سیستم‌های نظارتی و اجرایی در شناسایی و بستن این نقاط بحرانی کند عمل می‌کنند، در واقع به طور غیرمنتظره، وقوع حادثه را تسهیل می‌کنند.

بررسی‌های این بحران را نباید تنها در فرسودگی سازه‌ها جست؛ بلکه ریشه اصلی در ضعف ساختار نظارتی و عدم برخورد قاطع با مالکان و متولیان است. امنیت عمومی را فدای سود اقتصادی کوتاه‌مدت کرده‌اند. پلمب این ۲۷ پاساژ، نه یک تهدید برای کسب‌وکارها، بلکه تنها راه نجات شهروندان از یک مرگ احتمالی در لبه پرتگاه است.

بارش پاییزی و کاهش دمای گسترده در راه است



یک مقام مسئول هواشناسی گفت: بارش‌های پاییزی و کاهش نسبی دما از امروز در نیمه شمالی آغاز می‌شود و بارندگی در شمال غرب، سواحل غرب و شمال شرق تا شنبه همراه با رگبار و رعدوبرق ادامه خواهد داشت. صادق ضیاییان، رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوای سازمان هواشناسی در گفتگو با خبرنگار مهر، با تشریح آخرین وضعیت آب‌وهوای کشور گفت: طی امروز (سه‌شنبه، ۷ مهر) و فردا (چهارشنبه، ۸ مهر) در نیمه شمالی آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی، اردبیل، شمال دریای خزر، ارتفاعات البرز، خراسان شمالی و شمال خراسان رضوی، افزایش ابر و گاهی رگبار و رعدوبرق، وزش باد شدید و کاهش نسبی دما پیش‌بینی می‌شود.

واهنه‌های دامنه‌های البرز، ارتفاعات البرز و از غرب، شمال غرب، دامنه‌های جنوبی البرز و ارتفاعات البرز غربی، افزایش ابر و گاهی رگبار پراننده و وزش باد شدید رخ خواهد داد.

سیفانیاان اعلام کرد رز پنجشنبه(۱۰مهر) بارندگی در مناطقی از غرب، شمال غرب، دامنه‌های جنوبی البرز، ارتفاعات البرز غربی، گیلان و مازندران پیش‌بینی می‌شود. رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا گفت: روز شنبه (۱۱ مهر) بارش در شمال غرب، سواحل دریای خزر و بخش‌هایی از شمال شرق کشور ادامه خواهد داشت.

شمال یادآور شد: طی پنج روز آینده، به‌ویژه در ساعات بعدازظهر، در ارتفاعات جنوب کرمان و شرق هرمزگان نیز رگبار و رعدوبرق رخ می‌دهد. ضیاییان ادامه داد: طی پنج روز آینده در غرب، شمال غرب و دامنه‌های جنوبی البرز، افزایش وزش باد و گاهی خیزش گردوخاک انتظار می‌رود.

وی درباره وضعیت جوی پایتخت نیز گفت:

آسمان تهران امروز (۷ مهر) صاف تا کمی ابری

همراه با وزش باد پیش‌بینی می‌شود و گاهی

افزایش ابر و افزایش وزش باد شدید و احتمال

بارش پراننده وجود دارد.

رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران

مخاطرات وضع هوا را پایان خاطرنشان کرد:

حداقل دمای تهران امروز ۲۲ درجه و حداکثر دمای

آن ۳۱ درجه سانتیگراد پیش‌بینی شده است.